

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دمیتری سدوف

برگردان و توضیحات از: ا. م. شیر

۱۶ اگست ۲۰۱۲

سیاستهای بزرگ و مواد مخدر

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم خطر گسترش سوسیالیسم در بسیاری از مناطق جهان با تمام قامت در مقابل محافل حاکم ایالات متحده آمریکا و انگلیس قد برافراشت. با تعریف این پروسه به منزله تهدیدی برای آینده خود، آنها به بسیج تمام امکانات نظامی و مخفی قابل دسترس دست زدند تا بتوانند به پشتوانه آن دکترین «عقبگرد»- برنامه ستراژیک «پس راندن» کمونیستها را به اجرا در آورند.

اما افکار عمومی مردم آمریکا برای اجرای طرح سیاست خارجی دولت آماده نبود. آمریکائی متوسطی وجود داشت در جهان قاره خود، در وسط دو اقیانوس، و توجه خاصی هم به رویدادهای مناطق مختلف جهان نشان نمی داد. این نگرش، که در آمریکا به عنوان «انزواجوئی» مشهور است، کار محافل حاکم آمریکا در عرصه بین المللی را به شدت دشوار می کرد. آمریکائیها حاضر به موافقت با هزینه های هنگفت در مناطق بسیار دورتر از خانه خود نبودند. جنگ سرد تازه آغاز شده بود، چرخ لنگر آن هنوز منتظر چرخاندن برای مدت طولانی بود.

شهروندان آمریکا نیز یکی از هزینه کنندگان اصلی پول برای اقدامات خارجی- سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا- سیا را درست در زمانی که به یک تشکیلات مقتدر در سیاست خارجی تبدیل شده بود، فقط یک تشکیلات جاسوسی معمولی تصور می کردند. سازمان سیا هم که وظیفه انجام عملیات گسترده مخفی در مقیاس جهانی در برابرش قرار گرفته بود، برای اخذ مجوز به منظور جست و جوی منابع مالی تکمیلی به رهبری سیاسی مراجعه نمود و این منابع را در تجارت مواد مخدر یافت.

اما خود ماهیت جنائی این تجارت، قواعد خود را نیز به بازی دیکنه کرد. بخشی از درآمد آن واقعاً هم صرف پروژه ها می گردید، بخشی هم برای ثروت اندوزی به مقامات و رهبران این سازمان داده می شد، و اما بخش آخر در اختیار گروههای مالی نماینده رهبری سیاسی آمریکا قرار می گرفت. مواد مخدر در هرم قدرت ایالات متحده آمریکا از پائین تا بالا صعود کرد.

یکی از اولین نمونه های شرکت سازمان سیا در تجارت مواد مخدر به سال ۱۹۴۷ و همکاری آن با مافیای جزیره

کورس مربوط می شود. جنبش کمونیستی در فرانسه پس از جنگ، نگرانی شدید واشینگتن را موجب شده بود، و آن، در مبارزه با اتحادیه های کمونیستی بر اوباشان کورس تکیه کرد. اما حامی مالی رسمی این کار نمی توانست باشد چرا که در مارسل با همدستی سازمان سیا یک آزمایشگاه عظیم تولید هروئین راه اندازی شده بود. در این مؤسسه کورسی ها کار می کردند، و تهیه مواد خام و سازماندهی شبکه توزیع را سازمان سیا با اخذ پول برای مبارزه علیه کمونیستها بر عهده داشت. همانطور که واضح است، در فرانسه پس از جنگ، ترور اخلاقی و فزیکتی کنشگران و فعالان جنبش کمونیستی اوج گرفت و نتایج آن، یعنی، راه ندادن کمونیستها به حاکمیت، مطلوب امریکا بود.

اولین تجربه برای استفاده در دیگر مناطق جهان مفید واقع شد. در اوایل سالهای دهه ۵۰، سازمان سیا شبکه های تولید هروئین را در جنوب شرقی آسیا راه اندازی کرد و پولهای حاصل از آن را برای حمایت از چانکایشک در مبارزه علیه چین کمونیست به جریان انداخت.

پس از آن، سازمان سیا قیومیت نظامیان لاووس را برعهده گرفت و کار با آژانس در «مثلث طلائی» (لاووس-تایلند شمالی- برمه) آغاز گردید و ۷۰ درصد افیون از آنجا تهیه شد. بخش اعظم مواد خام به مارسل و همچنین به سیسیل ارسال و در آنجا، مافیای کورس و ایتالیا مواد افیونی را در آزمایشگاههای خود به هروئین تبدیل می کردند. در سیسیل سندکای تأسیسی توسط مافیوز امریکائی، لوکی لوچانو فعالیت می کرد. توجه داشته باشید که طبق اسناد باز شده آرشیف سازمان سیا، لوکی لوچانو، رئیس دفتر خدمات ستراتژیک (Office of Strategic Services) مترجم) بوده است. در سال ۱۹۴۶ او از زندانی که به سبب تجارت مواد مخدر در امریکا و اعزام به ایتالیا افتاده بود، بدون هیچ دلیلی آزاد گردید. در اینجا لوکی لوچانو شبکه های گسترده آزمایشگاههای تولید مواد مخدر را با همدستی امریکائیه به راه انداخت و از پولهای به دست آمده، سازمان سیا در اقدامات علیه حزب کمونیست ایتالیا استفاده کرد.

«مثلث طلائی» در زمان جنگ ویتنام هم منبع تأمین پول برای سازمان سیا بود. به موازات حمل مواد مخدر به امریکا، سازمان سیا در پایگاههای نظامی امریکا در خارج نیز مواد مخدر توزیع می کرد. قهرمانان امریکائی جنگ ویتنام، مردمی بودند که نه تنها در میدان جنگ، حتی در میدان مواد مخدر نیز امتحان خود را داده بودند. با وجود تمام مخفی کاریها، این اعمال بدون شکست های پیاپی هم نبود. در سالهای دهه ۸۰ جنجال بزرگی در رابطه با «نوگن هند بانک سیدنی» (Nugan Hand Bank of Sydney) بالا گرفت. این «بانک جیبی» به ثبت رسیده در جزایر کیم (Cayman Islands) -مترجم - به طور کامل به وسیله افسران سازمان سیا اداره می شد (ویلیام کلبی، مدیر سابق سازمان سیا، یکی از مشاوران بانک بود). سیا با کمک «نوگان هند بانک سیدنی»، پولهای به دست آمده از تجارت مواد مخدر در هندوچین را می شست.

با گذشت سالها، جغرافیای شبکه مواد مخدر سازمان سیا هم گسترش یافت. در سالهای دهه ۸۰ سازمان سیا بودجه «کنترهای» نیگارگوئه را طبق همان نقشه کهنه «اسلحه در مقابل مواد مخدر» تأمین می کرد. باز هم جنجال بالا گرفت، و این بار، کار به تحقیقات رسمی کشید. در اختتامیه کمیسیون تحت قیمومت «کمیته تروریسم، مواد مخدر و عملیات بین المللی» زیر مجموعه سنا، عبارتی است که نقش کلیدی را در شناخت سمت حرکت سیاسی امریکا ایفاء می کند و آن: «فکر امکان تأمین هزینه عملیات نظامی کنترها به حساب پولهای حاصل از فروش مواد مخدر از سوی اشخاص پاسخگو در تعیین سیاست امریکا در منطقه، مردود شناخته نشد». تجارت غیرقانونی مواد مخدر با استفاده از سازمان سیا، به بخش ارگانیک سیاست خارجی ایالات متحده امریکا تبدیل گردید.

در دوره رو در روئی اتحاد شوروی و آمریکا در افغانستان، تجارت مواد مخدر به وسیله سازمان جاسوسی سیا ابعاد فوق العاده گسترده ای به خود گرفت. سازمان سیا، مجاهدان افغان را با پولهای حاصل از تجارت مواد مخدر، سخاوتمندانه تأمین مالی می کرد. وسایل نقلیه حامل اسلحه به داخل کشور، در بازگشت هروئین حمل می کردند. به عقیده کارشناسان مستقل، در آن زمان تا ۵۰ درصد هروئین مصرفی جامعه آمریکا در افغانستان تولید می شد.

در سال ۱۹۹۲، در نیویورک، کتاب «مافیا، سیا و جورج بوش» انتشار یافت (Pete Brewton New York: S.P.I. Books, 1992). در این کتاب بر اساس اسناد فراوان اثبات شده است که مدیر سازمان سیا و به تبعیت از آن، رئیس جمهور سابق آمریکا، جورج بوش پدر، وظایف دولتی خود را با تجارت جنائی مواد مخدر و سیاست در هم آمیخته و با مافیای مواد مخدر آمریکا فعالانه همکاری می کند.

کمی بعد فکر بکری مبنی بر این که با مواد مخدر نه تنها می توان وظایف مشخص خارجی را انجام داد، حتی می توان به اهداف ژئوپلیتیک بلند مدت هم دست یافت، به سر سیاستمداران آمریکائی می زند.

زمانی که پس از اشغال کامل عراق در سال ۲۰۰۳ نماینده تام الاختیار آمریکا پل بریمر حاکم مطلق این کشور تعیین شد (او از اختیارات بسیار بیشتر از صدام حسین ساقط شده، برخوردار بود)، او حتی انگشتی هم برای متوقف ساختن امواج مواد مخدر که در عراق به راه افتاده بود، تکان نداد. این در حالی بود که در زمان صدام حسین، هیچ کس در عراق به مواد مخدر معتاد نبود.

خبرنگار روزنامه «ایندیپندنت» می نویسد: «من انگشت به دهان ماندم. این است نوشداروی تمام نارضایتی ها از سیاست آمریکا! قرار دادن آنها در منگنه، بستن دست و پایشان. سپس، با تصرف رادیو، تلویزیون و روزنامه های آنها، تبلیغات را به آنها حقنه کرد. و حالا میوه ها رسیده اند... بغداد، شهری که تا ماه مارچ ۲۰۰۳، هروئین و دیگر مواد مخدر با اعتیاد کشنده را هیچ گاه ندیده بود، اینک از مواد تخریری مختلف، از جمله هروئین لبریز شده است...» (۱).

سابقا در عراق تاجران مواد مخدر را اعدام می کردند. اما اکنون، پس اشغال توسط آمریکا، هروئین، کوکائین و هر ماده مخدر دیگر را می توان خرید. عراقیهای تحمیق شده با مواد تخریری، عزم و اراده مقاومت را از دست داده اند. پیروزمندان آمریکائی به این که خلق معتاد محکوم به زوال است، کاری ندارند. عراقیها به جای کشور همیشه مستقل خود، «ترور مدیریت شده» با همه تجارب آن را به دست آورده اند، و این، دستاورد عمده و اساسی آنهاست.

۱۱ سال قبل در افغانستان «عملیات ضد تروریستی» آغاز شده پس از حمله تروریستی ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ «تکمیل گردید». نتایج آن همانطور که تبلیغات رسمی آمریکا تأیید می کند، قابل تأمل بود. بار دیگر «خیر بر شر غلبه کرد». «آثار جانبی» آن: کشوری برگردانده شده به عصر حجر در زیر ابر غلیظی از دود روستاهای سوخته، اجساد هزاران شهروند غیرنظامی، صدها نظامی و زندانی تیرباران شده، دهها اردوگاه کار اجباری و فراریان. اغلب اینها از چشم دوربینهای تلویزیونی دور ماندند.

مبارزه با تجارت مواد مخدر یکی از اهداف به شدت تبلیغ شده آمریکا در جنگ افغانستان بود. نتایج واقعی آن، درست به عکس بود. افغانستان پس از اشغال توسط آمریکا، به مرکز جهانی تولید و توزیع مواد مخدر تبدیل گردید. موجودیت آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به عنوان دولت و تاجر مواد مخدر، قابل تفکیک نیست (۲). مواد تخریری مدتهاست که به اساس استفاده نظام مند، به عامل بسیج منابع در سیاست خارجی تبدیل شده است. این هم جزء جدائی ناپذیر اقتصاد «سیاه» جهانی با گردش سالانه عظیم، به مثابه اکسیژن اقتصاد «سفید» از نفس افتاده غرب می

باشد...

یک دالر سرمایه گذاری در تجارت مواد مخدر، در یک شرایط بهینه، می تواند ۱۲ هزار دلار سود داشته باشد. قیمت ۱ کیلوگرم هروئین افغانی در شمال پاکستان ۶۵۰ دالر، در قرقیزستان ۱۲۰۰ دالر، در مسکو ۷۰ دالر است. از یک کیلوگرم هروئین، ۲۰۰ هزار دُز (مقدار مجاز برای یک بار مصرف. مترجم) تهیه می شود. استعمال ۳-۴ دُز آن برای معتاد شدن کفایت می کند.

سرمایه «سفید» بدون سرمایه «سیاه» نمی تواند کارکرد داشته باشد. آنها دو بخش تفکیک ناپذیر نظام سرمایه داری جهانی هستند که ایالات متحده آمریکا هسته آن را تشکیل می دهد. واشینگتن از خیلی وقت پیش اذعان کرده است، که تولید مواد مخدر در هر نقطه جهان، فقط به شرط این که تولید کننده هیچ سهمی از فروش نهایی «کالا» نخواهد، قابل اجرا است. بدون این، اقتصاد «سیاه» هیچ گاه نمی تواند وجود داشته باشد.

سهم مافیای قاچاق مواد مخدر به ازای حمل و انتقال آن، ۹۰ درصد ارزش افزوده بوده و سهم اعمال کننده آن- ۲ درصد، کشاورز- ۶ درصد و فروشنده افیون- ۲ درصد می باشد. برای اقتصاد «سیاه» مهم است که تولید کننده مواد مخدر (عمدتاً در آسیا) آن را با حداقل هزینه به عمل آورد. برای پائین آوردن قیمت مواد افیونی در محلهای تولید آنها، ایجاد درگیریهای مسلحانه در کشورهای «مبداء» ضروری است. در شرایط درگیریهای مسلحانه تقاضا به اسلحه نیز افزایش می یابد و در مواقع تشدید این مناقشات، قیمت اسلحه رو به فزونی می رود و این هم موجب کاهش قیمت مواد مخدر می گردد. مناقشات هر چه خونین تر باشند، درآمدهای حاصل، هم از تجارت اسلحه و هم از تجارت مواد افیونی نیز به همان میزان افزایش می یابند. به سخن دیگر، سنگ بنای اقتصاد «سیاه» جهانی را بی ثباتی تشکیل می دهد و مناقشات مدیریت شده، خدای آن است. عرضه و تقاضا نیز به اساس آن تنظیم می شود. در چنین وضعیتی، مدیران صحنه تمایلی به «کار» با نهادهای دولتی نشان نمی دهند و به جای آنها، به همکاری با قبایل، اقلیتهای ملی، طوایف، گروههای دینی و احزاب روی می آورند. زیرا، این آخریها، به راحتی تسلیم ایده های جدائی طلبی و تحریفات می شوند و این همکاری برای هر دو طرف ارزان تمام می شود.

در اواسط سالهای ۸۰ در افغانستان ۵۰ تن افیون تولید می شد. یک سال پس از خروج واحدهای ارتش اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰، این رقم به ۶۰۰ تن رسید. ۹۶ درصد اراضی کشور به زیر کشت مواد افیونی رفت و طالبان با اعمال کنترل کامل بر تولید هروئین، طبیعتاً، از اوامر سازمان سیا و وزارت امور خارجه آمریکا سرپیچی کردند

این به معنی آن بود، که یک سنت از آن ۱۳۰ میلیارد دلار را، رقم دقیقی که مافیای مواد مخدر افغانستان توانسته بود با حمل مطمئن «مرگ سفید» از طریق آسیای مرکزی و میانه و فروش آن در بازارهای سیاه اروپا به دست آورد، به امریکائیها نمی دهند. خارج ساختن تولید و توزیع هروئین از زیر کنترل طالبان، یکی از دلایل اصلی جنگ آمریکا در افغانستان بود. این هدف حاصل شده است. امروز بخش اصلی هروئین را امریکائیها خریداری می کنند و از کانال سازمان سیا و پنتاگون به خارج می فرستند. ایالات متحده آمریکا با ایجاد پایگاههای نظامی در قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، با پاشیدن گروههای افراطی مسلح در سراسر خاک افغانستان و با انتصاب حامد کرزی بر رأس دولت موقت این کشور، اولاً- گذرگاه جدیدی برای حمل مواد مخدر تأسیس کرد، ثانیاً- رقبای تجاری خود را از بین برد، ثالثاً- ظرفیتهای تولید هروئین از تریاک را به شدت افزایش داد.

در حال حاضر ۷۵ درصد بازار مواد مخدر جهان، ۸۰ درصد بازار اتحادیه اروپا، ۳۵ درصد بازار ایالات متحده آمریکا با هروئین افغانستان تأمین می گردد. ۶۵ درصد مواد مخدر افغانستان از طریق آسیای مرکزی ترانزیت می

شود. با خروج نیروهای ایساف از افغانستان، نه تنها این راه مسدود نمی شود، بلکه، با شرایط جدید انطباق داده خواهد شد. اتحاد جنائی بین طالبان و سازمان سیا شکل گرفته، تحکیم یافته و در آینده تقویت هم خواهد شد. لازم است نقش آلبانیاییهای کوزوو در قاچاق بین المللی مواد مخدر به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده شود. قصد امریکائیها از تشکیل ناحیه «مستقل» در صربستان، به عبارت دیگر، از جداکردن منطقه باستانی کوزوو از صربستان، ساختن پایگاه توزیع مواد مخدر، اساساً در اروپا بود. امروزه بیش از یک میلیون نفر از آلبانی تباران کوزوو در اروپای غربی زندگی می کنند، که عمدتاً به تجارت جنائی، در وهله اول، به ارائه خدمات تخییری مشغول هستند. می توان گفت، که تاجران مواد مخدر امریکا یک غده سرطانی کشنده را بر بدن اروپا کاشتند، که به سرعت ریشه می دواند.

به گزارش اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر جمهوری فدراتیو روسیه، در سراسر جهان سالانه یکصد هزار نفر، بیش از تلفات بمباران اتمی هیروشیما، در اثر استعمال مواد افیونی افغانستان می میرند. شمار قربانیان هروئین افغانستان فقط در روسیه، سالانه به بیش از ۳۰ هزار نفر بالغ می شود. بر اساس گزارش اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر جمهوری فدراتیو روسیه، در طول ده سال اخیر تولید تریاک در جهان دو برابر افزایش یافته، هروئین بر بازار جهانی مواد مخدر تسلط پیدا کرده و سهم سالانه آن در میان دزهای همه مواد تخییری به حدود ۷ میلیارد دُر (۹۰ درصد) رسیده است.

گامهای بلندی برای معتادسازی جمعیت روسیه برداشته می شود. این پدیده به اضافه پدیده الکلیسم، روسیه را با خطر تنزل و اضمحلال جمعیتی مواجه ساخته است. روسیه حداکثر کوشش برای بسیج جامعه بین المللی به مبارزه علیه مواد مخدر را پیشنهاد می کند. وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف طی سخنرانی خود در جلسه بین المللی سال ۲۰۱۰ دایر بر خطر مواد مخدر افغانستان در مسکو اظهار داشت: «ما به ضرورت تأیید خطر مواد مخدر افغانستان به عنوان خطری برای صلح و امنیت بین المللی در شورای امنیت سازمان ملل متحد اطمینان داریم».

لاوروف صریحاً خواستار افزودن مسؤولیت مبارزه کارآمد با تولید مواد مخدر، نابودسازی مزارع کشت خشخاش و آزمایشگاههای تولید هروئین به وظیفه نیروهای بین المللی در افغانستان گردید. لاوروف گفت: «در مبارزه با تولید مواد مخدر در افغانستان نباید قاطعیت کمتری از مبارزه با تولید کوکائین در امریکای لاتین نشان داده شود». وزیر امور خارجه روسیه تأکید کرد، که «همکاری متقابل در شرایط عینی امروز بین ناتوئیها در داخل افغانستان و کشورهای عضو دفاع مشترک در محیط خارج از مرزهای افغانستان بسیار مؤثر خواهد بود». به گفته وزیر، روسیه چند سال است که مسأله همکاری را به ناتو پیشنهاد می کند، ولی هنوز «پاسخ روشنی نگرفته است».

در سال ۲۰۱۰ رئیس اداره مبارزه با قاچاق مواد مخدر روسیه، ویکتور ایوانوف اظهار داشت: «طرفهای امریکائی و افغان به اطلاعات تقدیمی روسیه دایر بر فعالیت ۱۷۵ آزمایشگاه تولید مواد مخدر در افغانستان ترتیب اثر ندادند. آنها به فرستادن هروئین به کشور ما همچنان ادامه می دهند، و حتی یکی از آنها از بین برده نشده است». حسابهای بانکی اشخاص ذینفع به حساب درآمدهای حاصل از تجارت غیرقانونی مواد مخدر با پول انباشته می شود.

تشکیل جبهه بین المللی مبارزه جدی با مواد مخدر دور از انتظار است. امیدواری به موافقت غرب برای همکاری در این زمینه، فقط به اتلاف وقت بیشتر و مرگ شهروندان بیشتر روسیه منجر می شود. روسیه به نوبه خود، ناچار است به اقدامات شدیدی علیه توزیع کنندگان «مرگ سفید» دست بزند.

توضیحات مترجم:

(۱) - برای مترجم معلوم و مشخص نیست که چرا نویسنده محترم مقاله در اثر تحقیقی خویش به تأثیر تجارت مواد مخدر در جامعه پسا شوروی نپرداخته است. با این حال، لازم به ذکر می دانم که جامعه اتحاد شوروی، نه تنها با مواد مخدر بیگانه بود، حتی اسامی بسیاری از آنها را هم نمی دانست. البته، منهای برخی جمهوریهای آسیای میانه و قفقاز که دو ماده: «ناس» و «حشیش» را می شناختند و استعمال آنها هم در حد اعتیاد نبود، ولی پس از تجزیه اتحاد شوروی، انواع مواد مخدر، ظاهراً به قیمت نسبتاً ارزان تر از دیگر کشورها (مثلاً: ۷۰ دالر در مسکو) با شدت و سرعت فوق العاده زیادی رواج یافت. به طوری که در همان سالهای آغازین «دموکراتیزه کردن» جامعه، شمار معتادان به مواد مخدر به چند ده میلیون نفر، از جمله فقط در روسیه با ۱۴۰ میلیون نفر جمعیت، طبق آمار رسمی (صرفنظر از این که آمار منطبق بر واقعیت نبود) به ۵ میلیون نفر رسید و سن اعتیاد تا ۱۳ سال کاهش یافت.

(۲) - به جرأت می توان گفت با وجود انتشار میلیونها مطلب تحقیقی مستند و مدارک حاکی از مجرمیت سرکرده امپریالیسم جهانی- دولت امریکا، همیشه این سؤال مطرح بوده و مکرر از خود من نیز پرسیده شده است که چرا دولتهای کشورهای امپریالیستی به موجودیت خود ادامه می دهند و مردم شان نمی خواهند یا نمی توانند آنها را ساقط کنند و یا این همه قیل و قال بر سر «حقوق بشر» و «دموکراسی» امپریالیستی چیست؟ به نظر می رسد پاسخ صریح این باشد:

اولاً- اغلب احزاب و سازمانها، افراد و شخصیتهای سیاسی، به خصوص، بریدگان از چپ و چینمایان، ناسیونالیستها و مذهبیون افراطی، در حفظ وضع موجود ذینفع اند. **ثانیاً-** دولتهای امپریالیستی توانسته اند با ترویج مواد مخدر، مد پرستی و سکس پرستی، تبلیغات و تحریفات و دیگر اشکال تحمیق توده ئی، اکثریت قریب به همه جامعه را به عدم تعادل فکری و روانی گرفتار ساخته، به انفعال و لاقیدی کشانده و به «اکثریت خاموش» تبدیل نماید. فردگرایی و بی مسؤولیتی فرد در مقابل جمع و بالعکس، نتیجه طبیعی این سیاستهاست که جامعه را از مبارزه متشکل و سامان یافته علیه نظام ظالمانه سرمایه داری باز می دارد. به همین سبب هم است که علی رغم این که صدها هزار نفر در اعتراض مثلاً، به افزایش سن بازنشستگی، یا به عبارت دقیق تر، به غصب عدوانی حقوق و مستمری بازنشستگان در فرانسه به خیابانها آمدند، ولی نتوانستند کاری از پیش ببرند. علت این است که دولت حاکم بسیار خوب می داند که آن صدها هزار نفر در پیوند ارگانیک با هم به اعتراض برخاسته اند و مبارزه آنها جنبه فردی دارد و گرنه، صدها هزار نفر که هیچ، یک اعتراض متشکل ده هزار نفری در پایتخت یک کشور، می تواند دولت حاکم را کله پا کند. **ثالثاً-** بخش نچندان کوچکی از جان بدر بردگان از حملات آفات سرمایه داری، به رغم میل و خواست باطنی خود، هنوز متوهم اند، توانائی تحلیل و شناخت مسائل و مشکلات را ندارند و تبع آن، موانع سختی در مقابل بخش زنده و فعال جامعه ایجاد می کنند. رفع و دفع این موانع، به زمان و کار طاقت فرسای جمعی نیاز دارد.

<http://www.fondsk.ru/news/2012/08/03/bolshaja-politika-i-narkotiki.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/08/15/>

۲۵ مرداد [اسد] ۱۳۹۱